

"بخش دوم"
ماتریالیسم تاریخی

کمونیسم
این جامعه آرمانی
چگونه جامعه ایست؟
امیر نیک آئین

فصل - ششم تنوری مارکسیستی لنینیستی فرماسیون های اجتماعی - اقتصادی

درس ۶۹ - فرماسیون کمونیستی، مرحله کمونیسم

جامعه سوسیالیستی بنابر قوانین عینی اجتماع و ضرورت رشد اجتماع به مرحله عالی تری تکامل می یابد. تدارک این مرحله دوم در سیر تکاملی مرحله اول فرماسیون و در بطن مرحله سوسیالیستی و بر شالوده آن صورت می گیرد. این روند ضرور و عینی، توسط فعالیت آگاهانه توده مردم، از راه تحقق تدریجی سیاست حزب کمونیست، از راه تکمیل و تعالی همه جوانب جامعه سوسیالیستی انجام می شود. هدف غائی مبارزه احزاب کمونیست و کارگری و نبرد انقلابی کارگران و زحمتکشان جهان رسیدن به این مرحله است.

(۱)

جوانب مختلف این جامعه را، با توجه به وجوه تمایز آن با مرحله اول فرماسیون مربوطه، بررسی کنیم:

- شاخص پایه اقتصادی و مالکیت در جامعه کمونیستی نظیر جامعه سوسیالیستی است ولی چه از نظر سطح تکامل نیروهای مولده، چه از نظر درجه بلوغ مناسبات تولیدی و شاخص های مناسبات دیگر اجتماعی، بین این دو مرحله یک فرماسیون، تفاوت هائی هست. شاخص مالکیت در این مرحله عالی فرماسیون کمونیستی عبارتست از مالکیت کمونیستی یگانه بر وسائل تولید. اشیاء مورد مصرف شخصی تحت تملک و اختیار کامل هر عضو جامعه خواهد بود.

- شاخص تولید عبارتست از افزایش مداوم تولید اجتماعی و بالا بردن سطح بازده کار بر اساس پیشرفت سریع دانش و فن، بکار گرفتن مدرن ترین و نیرومندترین تکنیک، تسلط بی سابقه انسان بر طبیعت، عالی ترین درجه سازمان اقتصاد، ثمربخش ترین و معقول ترین طرز استفاده از ثروت های مادی و طبیعی و منابع نیروی کار انسانی و منطقی ترین شکل بهره گیری از محیط زیست و حفظ آن.

- شاخص هدف تولید در کمونیسم عبارتست از تامین پیشرفت بدون وقفه جامعه و واگذاری کلیه نعم مادی و معنوی برحسب نیازمندی های روز افزون انسان جامعه کمونیستی و تقاضای فردی و سلیقه شخصی. هدف عبارتست از ارضاء نیازهای روز افزون هر فرد جامعه.

- **شاخص توزیع** در کمونیسم عبارتست از اجرای این شعار که "از هر کس طبق استعدادش، به هر کس طبق نیازش" در سوسیالیسم یعنی مرحله اول این فرماسیون، هنوز آن وفور نعم مادی و شرایط معنوی و امکانات عملی وجود ندارد که بتوان این شعار را تحقق بخشید. ولی در کمونیسم بر شالوده شاخص های تولید و هدف آن و نحوه مالکیت که بر شمردیم و همچنین بر شالوده تغییر خود انسان و برخوردش با کار، اجرای این اصل امکان پذیر می شود.

- **شاخص طبقات** در کمونیسم عدم آنها است. بدین معنا که در این مرحله عالی فرماسیون، دیگر طبقات اجتماعی ولو در حدود تفاوت میان دهقانان سوسیالیستی و کارگران سوسیالیستی وجود نخواهد داشت و جامعه بشری از نظر طبقاتی تقسیم نخواهد شد. چرا؟ زیرا که اولاً به جای دو شکل مالکیت اجتماعی (همه خلقی و گروهی) بتدریج در آینده مالکیت یگانه همگانی خلق ایجاد می شود و ثانیاً علاوه بر رفع تفاوت های مربوط به شکل مالکیت در کشاورزی و صنعت، تفاوت های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و معیشتی و نحوه زندگی بین شهر و ده، بین کارگران و دهقانان نیز از بین می رود. هر چه نیروهای مولده رشد کند و امکانات رفاه و آسایش اهالی بیشتر شود، ده بیشتر به سطح شهرارتقا می یابد. تفاوت بین کار صنعتی و کار کشاورزی، بین محیط شهری و محیط روستائی از بین می رود.

همچنین با پیروزی کمونیسم، کار بدنی و کار فکری و فعالیت ویژه روشنفکری و فعالیت مستقیم تولیدی عمیقاً با هم در می آمیزد و سطح فرهنگی و معلومات فنی و علمی همگان به سطح بالائی که در آن کار فکری امتیاز و در انحصار کسی نیست می رسد؛ تفاوت و تمایز از این نظرگاه نیز از بین می رود. بدین سان کمونیسم به تقسیم جامعه به طبقات و قشرهای اجتماعی پایان می دهد. و بدین ترتیب تساوی اجتماعی کامل بین همه اعضای جامعه تامین می شود. واضح است که در اینجا منظور این نیست که همه افراد، یک سطح و مشابه می شوند و همچون دستگاه های کوکی که از یک ماشین بیرون آمده باشند، به یکدیگر شبیه و همانند خواهند بود. نه، منظور آنست که تفاوت از نظر طبقاتی و رابطه با وسایل تولید و نحوه مالکیت و استفاده از نعم مادی از میان خواهد رفت و همگان فرصت های مشابه و شرایط یگانه ای برای رشد و تعالی خواهند یافت.

- **شاخص روبنائی** - نتیجه از بین رفتن طبقات و ایجاد تساوی کامل اجتماعی آن است که برخی از مقولات مهم روبنائی نظیر دولت و مناسبات حقوقی و ایدئولوژی سیاسی و حقوقی که وابسته بوجود طبقات هستند زوال می یابند. جای دولت را "خود گردانی اجتماعی کمونیستی" می گیرد یعنی اعضای متشکل جامعه بر پایه موازین اخلاقی کمونیستی که خود به سرشت و نیاز روحی افراد بدل می شود امور جامعه را می گردانند. زوال دولت را نباید به معنای از بین رفتن سازمان ها و دستگاه های اداره کننده جامعه دانست بلکه این امر به معنای از بین رفتن دستگاهی است که مظهر تسلط یک طبقه بر بقیه قشرها و طبقات است و در سوسیالیسم نماینده اکثریت زحمتکشان جامعه و در دوران ساختن پایه های مادی و فنی کمونیستی، در شرایط وجود دو سیستم جهانی نماینده همه خلق است.

همراه زوال دولت، موسساتی که ویژه آن هستند زوال می یابند. مقولات اتیک (اخلاقی) به عنصر بیش از پیش مهم روبنائی بدل شده و جای عمده را می گیرند. هنر به شکوفائی عظیمی می رسد و جای شامخی را در سیستم روبنائی جامعه کمونیستی اشغال می کند.

- **شاخص وضع افراد و رابطه بین فرد و اجتماع**- در این مرحله وحدت منافع اجتماعی و فردی ایجاد می شود و بر این پایه همه در اداره امور اجتماع، شرکت فعال، برابر و آزاد خواهند داشت و بین فرد و جامعه مناسبات هماهنگ برقرار خواهد شد. در این جامعه،

تقاضای افراد، هر چند که تنوعی عظیم و رشدی همه جانبه و فزاینده می یابد، با این حال ناشی از نیازمندی های سالم و معمول انسانی، خواهد بود. سطح عالی آگاهی کمونیستی و فرهنگی و عشق به کار، انضباط، خدمت به مصالح جامعه، انسان دوستی، کلکتیویسم (جمع گرایی) از خصائل ذاتی انسان جامعه نوین آینده خواهد بود.

- **شاخص مسئله کار و رابطه انسان با کار** - کمونیسم خصلت کار را تغییر می دهد ولی اعضای جامعه را از کار معاف نمی دارد. چنین جامعه ای به هیچ وجه جامعه هرج و مرج، خود سری و تن پروری نخواهد بود. هر فرد دارای قدرت کار، در کار اجتماعی شرکت خواهد کرد. در همه اعضای جامعه بر اثر تغییر خصلت کار و سطح تجهیز فنی آن و در پرتوی عالی بودن سطح آگاهی، یکنوع نیاز درونی پدید می آید که هر فرد داوطلبانه و طبق ذوق و تمایل خود و برای رفاه جامعه کار کند. اساس کار دیگر اجبار نیست بلکه درک یک وظیفه اجتماعی است. کار به یک ضرورت درجه اول زندگی به یک زینت انسانی و به عامل مهم رشد موزون و همه جانبه شخصیت فرد بدل می گردد.

شاخص بلوغ شخصیت انسانی - استعداد ها و قریح و بهترین خصائل انسانی در کمونیسم شکفته و بارور می شود و عرصه وسیع ظهور و خلاقیت پیدا می کند. همه شرایط و امکانات برای نیل به حد اعلائی جمال جسمی و کمال روحی فراهم می شود. روابط خانوادگی نیز تماما از شائبه های حساب های مادی منزه می گردد و کاملا بر بنیاد عشق و داد متقابل استوار می شود.

- کمونیسم، نزدیکی و دوستی هر چه بیشتر و همه جانبه بین ملل را بر اساس اشتراک کامل منافع اقتصادی و سیاسی و معنوی و برادری و تساوی و همکاری تامین خواهد کرد. کمونیسم، بین المللی متحد انسان ها را جانشین ملت ها و اقوام پراکنده می کند.

(۲)

با نتیجه گیری از شاخص هائی که بر شمردیم در یک فرمول کلی می توانیم کمونیسم را چنین تعریف کنیم:

کمونیسم عبارتست از نظام اجتماعی بدون طبقات با مالکیت یگانه همگانی مردم بر وسائل تولید و برابری کامل اجتماعی همه اعضای جامعه، که در آن همزمان با تکامل همه جانبه افراد، نیروهای مولده نیز بر بنیاد دانش و تکنیک دائما پیشرفت می کنند و اصل "از هر کس طبق استعدادش به هر کس بنا بر نیازش" تحقق می پذیرد. کمونیسم عبارت است از جامعه کاملا متشکل - به عالی ترین سطح سازمان یافته - مرکب از مردم زحمتکش آزاد و آگاه که در آن اداره امور توسط خود جامعه انجام می گیرد و کار به نفع جامعه برای همه کس به یک نیاز حیاتی و به ضرورت ادراک شده تبدیل خواهد گردید و استعداد هر فرد به حداکثر شکوفان خواهد گشت.